

بانوی زهد و فضیلت؛ لیلا، مادر حضرت علی اکبر علیه السلام

زهرا زحمتکش^۱

زهرا سمائی^۲

چکیده

لیلا علیها السلام دختر ابومرّة بن عروة بن مسعود ثقفی و میمونه دختر ابوسفیان، مادر حضرت علی اکبر علیه السلام و همسر امام حسین علیه السلام بود. وی یکی از مادران شایسته و برجسته تاریخ اسلام است که در تربیت فرزند برومند امام حسین علیه السلام حضرت علی اکبر علیه السلام، نقشی بسزا داشت. حضرت علی اکبر علیه السلام جوانی است که وجود مبارکش در حماسه شکوهمند کربلا با رشادت‌های قابل تحسینش، لرزه بر قلب سپاه ظلم و ستم می انداخت. لیلا علیها السلام از خاندانی بزرگ و با شرافت بود. جدّش عروه یکی از دو مرد بزرگ و صاحب مقام در نزد قریش به شمار می‌رفت و جایگاهش چنان بود که اذعان می‌داشتند چرا قرآن بر کسی مثل او نازل نشده است؟! در این نوشتار، شخصیت والای لیلا علیها السلام، با اصل و نسبش معرفی شده و جایگاه شخصیتی ایشان در منظر بزرگان و اهل بیت علیهم السلام بیان گردیده است. همچنین مسئله حضور ایشان در کربلا مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد. شیوه مورد استفاده برای انجام این پژوهش، روش تحقیق تاریخی - توصیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: لیلا علیها السلام، کربلا، مادر حضرت علی اکبر علیه السلام، همسر امام حسین علیه السلام.

۱. مدرّس جامعة المصطفی العالمیة، کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی

(z.zahmatkesh1@yahoo.com)

۲. مدرّس جامعة المصطفی العالمیة، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (samaeez@gmail.com)

امام حسین علیه السلام در زندگی پرافتخار خود با چهار یا پنج همسر ازدواج کرد. از نشانه‌های شخصیت خانوادگی امام حسین علیه السلام پای بندی ایشان به خانواده است. در آن زمان تعدد زوجات امری پذیرفتنی بود، اما شیوه همسرگزینی امام و شمار اندک آنان درخور توجه است. از سوی دیگر همه آنان با هم وارد زندگی امام نشدند، بلکه گاهی پس از درگذشت یکی، با دیگری ازدواج می‌کرد. همسران امام که نام آنها در منابع آمده، عبارتند از: ۱. شهربانو دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ایرانی از سلسله ساسانی؛ ۲. لیلا دختر ابو مروه بن عروه، نوه مسعود بن عامر ثقفی؛ ۳. ام اسحاق دختر طلحة بن عبیدالله، صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ۴. رباب دختر امرؤ القیس بن عدی کلبی و زنی از قبیله قُضاعه به نام سُلَافه یا ملومه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵ / ۳۲۹ - ۳۳۲).

امام حسین علیه السلام از آنان صاحب فرزندان شد که نشانه‌های عظمت را در خاندانش به نمایش گذاشتند. درباره تعداد فرزندان ایشان در کتب تاریخی اختلاف‌هایی وجود دارد. مورخان متقدم چون مصعب بن عبدالله زبیری، سهل بن عبدالله بخاری، شیخ مفید و فضل بن حسن طبرسی، تعداد فرزندان آن حضرت را چهار پسر به نام‌های علی اکبر، علی بن الحسین (امام سجاد)، علی اصغر (عبدالله رضیع)، جعفر و دو دختر به نام‌های فاطمه و سکینه می‌دانند (بخاری، ۱۳۸۱: ۳۰؛ مفید، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۳۷). تداوم شخصیت فردی و اجتماعی امام حسین علیه السلام در قالب تربیت فرزندان را می‌توان در شهادت برخی از ایشان و نیز عملکرد دیگر فرزندان و افراد خاندان در مقطع اسارت به سمت شام ملاحظه نمود و از همه مهم‌تر، امام سجاد علیه السلام که علاوه بر مقام عصمت با مراقبت‌های ویژه پدر، ادامه دهنده امامت شد. بنابراین، بررسی و شناخت ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی لیلا علیها السلام مادر حضرت علی اکبر علیه السلام به عنوان فرضیه پژوهش پیش رو است. بر اساس این فرضیه سؤالاتی مطرح می‌شود؛ از جمله آن که لیلا از چه خاندانی بوده است؟ دوران زندگی لیلا علیها السلام با امام حسین علیه السلام چگونه بود و این که آیا این بانوی بزرگوار در سرزمین کربلا حضور داشته است یا خیر، مورد بحث این پژوهش است.



لیلا علیها السلام کیست؟

وی دخترابی مژة بن عروة بن مسعود ثقفی (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۳/ ۴۱۲) است. مادرش میمونه دخترابی سفیان صخر بن حرب بن امیه (همو: ۱۷۸/ ۴) و جدده اش دختر ابی العاص و عمه پدرش برزه دختر مسعود ثقفی زوجه صفوان بن امیه است (خلیفة بن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۵؛ واقدی، ۱۴۰۵: ۵۳/ ۵ - ۳۹۲/ ۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۴۶-۲۴۷؛ ابن قتیبہ، ۱۹۶۰: ۲۱۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۴۹؛ طبری، ۱۳۸۲: ۳/ ۳۴۳؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴۸۲/ ۳). صفوان از مشرکین قریش بود و از سردمداران غزوه احد به شمار می رفت. او در این غزوه، همسر خود را همراه آورد که به اسارت مسلمان درآمد و عبدالله اکبر از وی به دنیا آمد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۳/ ۳۵۹).

شیخ مفید در ارشاد، طبرسی در اعلام الوری، ابن جریر در تاریخ طبری، ابن اثیر در کامل، یعقوبی در تاریخ خود و سهیلی در الروض الانف، نام این بانورا همان «لیلا» ذکر کرده اند (واقدی، ۱۴۰۵: ۶/ ۳۹۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۴۶-۲۴۷؛ ابن قتیبہ، ۱۹۶۰: ۲۱۳؛ طبری، ۱۳۸۲: ۵/ ۴۴۶؛ عسقلانی، ۱۳۲۸: ۳/ ۴۱۲). اما سبط بن جوزی در تذکره الخواص، ابن جریر طبری در منتخب (۱۲/ ۱۹) و خوارزمی در مقتل، نام وی را «آمنه» آورده اند (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۴۹).

تنها ابن شهر آشوب در مناقب، از وی به «بزه» دخت عروه یاد کرده است (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/ ۷۷). همان گونه که کلام سهیلی در الروض الانف (۲/ ۳۲۶) بیانگر آن است که میمونه دخترابی سفیان جد پدری لیلا بوده که عروه با او ازدواج کرده و ثمره این وصلت ابومرّه و لیلا همسر امام حسین علیه السلام دخت ابی مرّه است.

ارتباط نسبی لیلا با ابوسفیان از ناحیه مادر، سبب شد طبق نقلی، معاویه، علی اکبر علیه السلام را شایسته ترین فرد برای خلافت بداند و نیز در روز عاشورا، اُمویان به وی امان دهند که علی اکبر علیه السلام با آن مخالفت ورزید (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۷۸-۲۸۱).

به همین سبب، نسبت خویشاوندی لیلا با میمونه است که دشمن به علی اکبر علیه السلام در کربلا گفت: «تو با امیرالمؤمنین یزید پیوند خویشی داری» و با این کلام می خواستند او را به

لشکر کفر بکشانند؛ اما نفس قدسی او به شرف جاودانه حیات سرمد رو آورد فرمود:

پیوند خویشاوندی با رسول خدا ﷺ سزاوارتر است که رعایت شود تا پیوند با فرزند هند جگرخوار. (بخاری، ۱۳۸۱: ۳۰؛ رازی، ۱۴۰۹: ۷؛ ابن منصور، ۱۴۰۴: ۱۵۲/۳)

اگر لیلیاقت ذاتی نداشت، به افتخار همسری سید جوانان بهشت در نمی آمد و مادر چنین جوان فداکاری نمی شد. بهره او از ایمان و پاکی موجب شد با زنان اهل بیت عصمت و طهارت همنشین باشد و بر سفره انسان های پاک و وارسته حاضر شود و در غم و شادی آنان شریک شود (گلی زاده: ۳۲).

همچنین لیلیا از خاندان اشرف و عظمت بود و جدش عروه یکی از آن دویزبگ مکه بود که قریش گفتند:

﴿لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرِيبَيْنِ عَظِيمٍ﴾؛ (زخرف: ۶۹)

چرا این قرآن بر مرد بزرگ یکی از این دوشهر نازل نمی شود؟

مقصود از دوشهر، مکه و طائف است و شخص بزرگ دیگر، ولید بن مغیره مخزومی ملقب به وحید بوده که به واسطه شرافتش در میان قومش و کثرت اموالش که زمستان و تابستان از املاک مزروعی اش بهره می جست، خانه کعبه را به تنهایی می پوشاند و پس از وفات عبدالمطلب از ناحیه خانه اش در برابر کعبه برایش فرشی می گستردند. این شیوه، نشانه بزرگی شخص بود که تاریخ این امر را در مورد ابن جرعان و سالار مکه ابوطالب که جانشین پدرش عبدالمطلب بود، ثبت نموده است.

ابن ولید همان کسی است که خدای تعالی در قرآن می فرماید:

﴿ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً * وَبَيْنَ يَدَيْهِ شُهُوداً﴾؛ (مدثر: ۱۱ - ۱۳)

[ای رسول من] واگذار مرا و آن که او را تنها آفریدم و برایش مال فراوان قرار دادم و پسرانی حاضر.

نسب لیلیا و مختار بن ابی عبید ثقفی در مسعود ثقفی به هم می رسد؛ زیرا لیلیا دخت ابی مروه بن عروه بن مسعود است و مختار فرزند ابی عبید بن مسعود، و ابومروه پدر لیلیا با مختار عموزاده است (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴/۱۳۰).

با وجود آن که قبیله ثقیف افرادی سرکش و خودخواه بودند، انسان‌های صالحی چون مختار و عروه بن مسعود ثقفی از میان آنان برخاستند. البته سفاکان و ستمگرانی چون مغیره بن شعبه ثقفی و حجاج بن یوسف ثقفی، به مثابه علف‌های هرزی بودند که در این طایفه روییدند.

خاندان مختار که با لیلیا پیوند نسبی دارند از علاقه‌مندان و پیروان مخلص اهل بیت هستند. عموی وی سعد بن مسعود ثقفی از شخصیت‌های بارز صدر اسلام و صحابه عظیم الشان پیامبر به شمار می‌رفت. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب حضرت علی علیه السلام یاد کرده است (گلی‌زاده: ۳۲).

به سبب شرافت عروه در میان قوم خود قریش او را در واقعه حدیبیه برای عقد قرارداد صلح نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستادند. او در آن هنگام کافر بود و در سال نهم هجرت اسلام آورد و به سوی قبیله‌اش بازگشت و خود بر بام خانه بلندی که داشت رفت و اسلام خود را آشکار ساخت و آنان را به این دین دعوت نمود. اما آنان باران تیر را به سویش گشودند و یکی از آن‌ها بر [قلب] او اصابت نمود و غرقه در خون خویش به زمین افتاد (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۱۷۸/۴).

گفتند: خون خود را به چه حساب می‌گذاری؟ گفت: این لطفی بود که خداوند به آن مرا گرامی داشت و شهادتی بود که پروردگار نصیبم ساخت، تنها درخواستم این است که مرا در کنار شهیدانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کشته شده‌اند دفن نمایید، که به این خواسته‌اش جامه عمل پوشانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود: او نبود در قوم خود مگر همانند صاحب یاسین در قوم خویش (واقعی، ۱۴۰۵: ۳۷۰/۵؛ عسقلانی، ۱۳۲۸: ۱۷۸/۴؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۳۰/۴؛ طبرانی، ۱۹۸۳: ۱۴۸/۱۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۱۵/۳).

عروه به هنگام پذیرش اسلام ده زن در اختیار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اسلام بیش از چهار زن را جائز نمی‌شمرد. او نیز چهار تن از آنان را برگزید که از جمله ایشان زینب دخت ابوسفیان صخر بن حرب بن امیه بود.

ابومره پدر لیلیا در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دیده به جهان گشود و از مصاحبت حضرتش



بهره برده است. چون پدرش عروه کشته شده، او و برادرش ابوملیح نزد پیامبر ﷺ آمدند و حضرت را از قتل پدر آگاه ساخته و مسلمان گردیدند و به طائف بازگشتند.

درباره لیلا، حارث بن خالد مخزومی سروده است:

اطاقت بنا شمس النهار و من رای من الناس شمسا فی المساء تطوف
ابوامها اوفی قریش بدمه واعمامها اما سالت ثقیف

یعنی: خورشید جهان افروز برگرد ماگردش درآمد و چه کس از مردم دیده است که مهرتابان در شامگاهان بدرخشد. او (لیلا) پدر و مادرش وفادارترین قریش در حفظ پیمان است و عموهایش اگر خواهان شناختشان شوی از تیره ثقیف هستند (مقرم، ۱۴۰۶: ۱۷؛ عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴/۱۷۸).

سال وفات این بانو و مقدار عمر او نیز حضورش در شهیدستان کربلا بر ما مشخص و محقق نگشته است؛ هر چند در بندی در «اسرار الشهادة» از برخی کتب مجهول المؤلف متعرض این امر (حضور در کربلا) شده است، اما مورخان از این موضوع یاد نکرده اند و بسا که قبل از واقعه عاشورا در گذشته باشد.

محدث و عالم بزرگ شیخ عباس قمی در نفس المهموم (ص ۱۶۷) اظهار می دارد که من به مأخذی دست نیافتم که دال بر آمدن لیلا به کربلا باشد.

سخن این حدیث شناس و محقق مسلم برای آن که حقائق تاریخ را می جوید حجت و سند است.

نسب مادر علی اکبر علیه السلام

شیخ مفید در ارشاد (۱۴۱۴: ۲/۱۱۰) و عده ای مورخان از قبیل ابن اثیر در کامل، یعقوبی در تاریخ خود، سهیلی در روض الانف، طبری در تاریخ خود، فخر رازی در الشجرة المبارکة، طبرسی در اعلام الوری، شیخ طوسی در رجال الطوسی، سپهر در ناسخ التواریخ: مادر آن شاهزاده را «لیلا» بنت ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی می دانند.

لیلا همسر امام حسین علیه السلام و مادر فرزند آن حضرت، علی (اولین شهید از آل ابی طالب در واقعه کربلا) مشهور به علی اکبر است (طبری، ۱۳۸۲: ۳/۳۴۳؛

ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۳/ ۴۸۲).

و در برخی از کتاب‌ها به نام ام لیلا معرفی شده است (محلاتی، بی تا: ۳/ ۲۹۵) ولی سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۷۷) و خوارزمی در کتاب مقتل خود اسم مادر علی اکبر را «آمنه» می‌دانند. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب نام مادر علی اکبر را «بره» می‌داند. در مقتل ابی اسحاق اسفرائینی نام مادر او را شهر بانومی داند. پدر لیلا: ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است و در نسب ابی مره شخصیتی مثل عروه وجود دارد که در کتاب اصابه ابن حجر از حضرت پیامبر ﷺ نقل شده مثال عروه مثال صاحب یاسین است که قوم خود را به سوی خدا خواند ولی او را کشتند (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴/ ۱۷۷) و یا گفته شده سادات در اسلام چهار نفرند: ۱. بشر بن الهلال العبیدی، ۲. عدی بن الحاتم الطائی، ۳. سراقه بن مالک المدلجی، ۴. عروه بن مسعود الثقفی (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۹۱).

عروه در سال نهم هجرت مسلمان شد و در برگشت به سوی قوم خود و دعوت آن‌ها به اسلام در حالی که اذان می‌گفت، توسط تیری که یکی از قوم خود به سوی او رها کرد کشته شد.

مادر لیلا: میمونه بنت ابی سفیان بن صخر بن حرب بن ابی امیه است. از طرف مادر نیز از خانواده ای کریم و نجیب و شریف است. جد مادریش عروه بن مسعود ثقفی در نزد قریش جایگاه ویژه و مقام بس عظیمی داشت. قریش مکه عروه بن مسعود را به عنوان نماینده مخصوص خود نزد پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرستادند تا از جانب آنان عقد صلح حدیبیه را امضا نماید. عروه در سال نهم هجری مسلمان گردید و برای هدایت قوم خود و تبلیغ دین اسلام به جانب آنها رفت لکن به دست قوم خود به شهادت رسید و هنگامی که مشغول گفتن اذان نماز بود یکی از طایفه اش تیری به او زد و او را به شهادت رسانید. پیامبر اکرم ﷺ از شهادت او متأثر گردید و در وصفش فرمود:

لیس مثله فی قومه الا کمثل صاحب یاسین فی قومه؛ (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴/ ۱۷۷)

در قومش کسی مشابه او نبود، مگر صاحب یاسین در قوم و طایفه اش.

یعنی عروه مثل صاحب یاسین است که قوم خود را به توحید و یگانه پرستی دعوت نمود اما او را به قتل رساندند.

باز در وصف عروه بن مسعود ثقفی و مقام والای او در اسلام از نبی گرامی اسلام ﷺ نقل است که فرموده‌اند:

اربعة ساداتة في الاسلام ...؛ (جزری، ۱۴۱۷: ۱/۱۹۱)

بزرگان اسلام چهار نفرند: بشر بن هلال عبدی و عدی بن حاتم و سراقه بن مالک مدلجی و عروه بن مسعود ثقفی.

به هر حال عروه بن مسعود که جد مادری حضرت علی اکبر علیه السلام است مقام والایی در میان قریش داشت، به گونه‌ای که وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث شد قریش در عناد و لجبازی می‌گفتند. اگر بناست پیغمبری از میان قریش مبعوث گردد، دو نفر بیشتر نمی‌توانند باشند، یا ولید بن مغیره مخزومی که اهل مکه است و یا عروه بن مسعود ثقفی که اهل طائف است. قرآن کریم نیز این حکایت و گفتار قریش را در سوره مبارکه زخرف آیه ۳۱ نقل می‌نماید (همو: ۳ / ۴۰۶).

از همین روست که معاویه، حضرت علی اکبر را می‌ستاید و می‌گوید: در اوسخاوت بنی‌امیه وجود دارد یا این که در روز عاشورا؛ لشکر اعدا خواست او را به طرف خود ببرد از این جهت به آن شاهزاده گفتند: میان تو و ولید بن معاویه قرابتی است و برای توامانی وجود دارد... (رازی، ۱۴۰۹: ۷۲).

دیدگاه مورخان درباره حضور لیلیا در کربلا

از جمله مواردی که میان ارباب تواریخ مورد بحث و گفت‌وگو بوده، حضور لیلیا - مادر علی اکبر - در کربلاست. یک سری موضوعات تاریخی وجود دارد که اثبات و نفی آن ضروری به مقصود و هدف اصلی وارد نمی‌سازد و بالعکس، یک سری موضوعاتی در تاریخ مطرح است که اثبات وجود و عدم آن، تأثیر فراوانی در ارائه هدف دارد. هر چند به طور مستقیم اثبات حضور لیلیا مادر حضرت علی اکبر اثر زیادی در ارائه هدف عالی حماسه عاشورا ندارد؛ ولی بحث پیرامون حضور آن مخدّره در کربلا تأثیر زیادی در ارائه واقعیت که



زمینه اصلی هدف حماسه‌سازان کربلاست، داشته‌ها و تحریفات و دروغ‌های دروغ‌پردازان جلوگیری می‌کند.

عده‌ای از تاریخ‌نویسان حضور لیلا مادر آن شاهزاده را در کربلا ثابت دانسته‌اند تا جایی که یک سری مرثیه‌ها را به آن مخدّره هنگام رفتن علی اکبر به میدان نسبت داده‌اند و حتی بعضی از شعرا نیز حضور آن بانورا در کربلا به شعر درآورده‌اند. ولی مشهور مورخان تصریح کرده‌اند که آن بانوی با عظمت در کربلا حضور نداشته و قبل از واقعه فوت نموده است (محلاتی، ۱۳۹۰: ۱/۲۷۸؛ مقرر، ۱۴۱۳: ۱۱). استاد شهید مرتضی مطهری این مسئله و در نتیجه قصه‌ها و افسانه‌هایی که درباره ایشان گفته شده، از موارد تحریف رویداد کربلا می‌داند و آن را با استدلال نقد ورد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۹: ۱/۲۶-۲۷) دکتر آیتی نیز در این باره می‌نویسد:

در جریان کربلا از او سخنی به میان نیامده است. هیچ روشن نیست که ایشان در این تاریخ زنده بوده است یا نه؟... از همسران امام تنها کسی که به یقین می‌توان گفت که در این سفر همراه امام بوده، رباب است. (بررسی تاریخ عاشورا: ۱۲۳)

حضور لیلا در کربلا در برخی آثار و کتاب‌های تاریخی

در بعضی از مقاتل ذکر شده که مادر علی اکبر در کربلا حاضر بود و رفتن به میدان آن بزرگ‌مرد را مشاهده می‌کرد و اضطراب شدیدی داشت و حتی به طور مفصل وداع ایشان با مادر را آورده‌اند. همچنین این مطلب را که امام حسین علیه السلام به لیلا فرمود در حق فرزندت دعا کن، نقل کرده‌اند (نوری، ۱۳۶۴: ۹۰) به عنوان مثال، در کتاب تذکرة الشهداء (ص ۲۱۳)، مرحوم ملا حبیب‌الله شریف می‌نویسد:

از بعضی کتب مستفاد می‌شود مادر علی اکبر نیز بیرون آمد و فریاد و اولداه برکشید و خود را بر نعش فرزند انداخت امام مادر او را به خیمه برگردانید.

در کتاب مقتل ابی اسحاق اسفرائینی مطابق نقل کتاب تذکرة الشهداء می‌خوانیم:

در آن حالی که علی اکبر از روی اسب به زمین افتاده بود مادرش شهربانوبه نعش علی اکبر نظر می‌کرد در حالی که مدهوش بود و حیران، و از دهشت هیچ

نمی توانست بگوید ولکن گریه می کرد.

در کتاب ماتمکده، تألیف قزوینی رودباری، وداع علی اکبر با مادر را به نظم درآورده و از زبان مادر می گوید:

علی اکبر مرو مادر فدای قد دلجویت پریشانم مکن ای من اسیر شنبیل مویت
در کتاب مهیج الاحزان تألیف حسن بن محمد علی یزدی (ص ۲۱۲) آمده است:
در بعضی کتب مقتل مذکور است که چون اهل حرم یافتند که آن حضرت روانه
میدان می شود و اجازه حرب می خواهد، مادر و خواهر و عمه ها به دور او حلقه
زدند و می گفتند بر ما غریبان ترحم کن....

در کتاب روضه الشهداء تألیف ملاحسین واعظ کاشفی (ص ۳۳۹) می خوانیم:
وقتی علی اکبر به روی زمین افتاده بود، امام به بالین او آمد و فرمود: ای فرزند
ارجمند وای آرام دل دردمند با مادر و پدر سخنی بگو، علی اکبر دیده باز کرد و سر
خود را در کنار پدر دید و خروش مادر و خواهران را شنید.

فاضل دربندی در اسرار الشهادة (ص ۳۷) نوشته است:

امام حسین علیه السلام از مادر علی اکبر خواست که در حق فرزندش دعا کند در آن لحظه
کارزار فرمود: من از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که دعای مادر در حق فرزند
مستجاب است.

عمادزاده در مجموعه شرح زندگانی علی اکبر (ص ۳۷۰) می نویسد:

در غالب کتب که شهادت علی اکبر را شرح داده اند، معتقدند مادرش در کربلا
بوده و می نویسند: چون خواست به میدان رود از مادرش اجازه گرفت.

ولی او در صفحه ۳۵۲ می نویسد:

یکی از تأثرات حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا را فقدان مادر علی اکبر
می دانستند.

در معالی السبطین شیخ محمد مهدی حائری مازندرانی در بیان مصیبت حضرت



علی اکبر علیه السلام به گونه ای تصریح می کند که لیلا در کربلا حضور داشت و حالش چگونه بود، وقتی نظر به بدن قطعه قطعه علی اکبر کرد (حائری مازندرانی، ۱۴۱۹: ۱/۴۱۶).
 نهله غروی او را از زنانی می داند که در کربلا حضور داشته است (غروی، ۱۳۷۵: ۲۷۱).

حضور نداشتن لیلا مادر علی اکبر در کربلا بر اساس آثار و کتاب های تاریخی

در برخی کتب تاریخی گفته اند مادر علی اکبر در کربلا حضور نداشته و پیش از واقعه، از دنیا رفته است.

حاج شیخ عباس قمی در منتهی الامال (۱/ ۴۳۷) می نویسد:

ظاهر آن است که والده آن جناب در کربلا نبوده و در کتب معتبره نیافتم چیزی. لذا آن چه مشهور است امام حسین علیه السلام بعد از رفتن علی اکبر علیه السلام به میدان نزد مادرش لیلا رفت و فرمود برخیز و دعا کن. و این که از جدّم شنیدم دعای مادر در حق فرزند مستجاب است، به فرمایش شیخ ما صحیح نیست.

ملاعلی آقا واعظ تبریزی خیابانی در وقایع الایام در احوال محرم الحرام (ص ۴۴۳) نوشته است:

آیا این که مادر آن شاهزاده در کربلا بود یا نه؟ من در این رابطه مدرکی را به دست نیاوردم.

محمد باقر بیرجندی در کبریت احمر (ص ۱۸۷) چنین می گوید:

بودن مادر علی اکبر در کربلا در هیچ کتاب معتبری ذکر نشده و اعتباری نیست به کلام صاحب کتاب مهیج الاحزان که مادر و خواهران او بر سر نعش او آمدند.

شیخ ذبیح الله محلاتی در کتاب فرسان الهیجاء (ص ۲۸۷) می نویسد:

بودن مادر علی اکبر در زمین کربلا، بلکه زنده بودن او حتی در مدینه (هنگام واقعه عاشورا) تاکنون به نظر نرسیده و امر کردن امام حسین علیه السلام لیلا را که دعا کند در حق فرزندش، حاجی نوری می فرماید اصلی ندارد.

حاج فرهاد میرزا معتمد الدوله در کتاب قمقام زخار نوشته است:

در حین تألیف (این کتاب) از احوال لیلا مادر علی اکبر چیزی به نظر نرسیده.

حاج محمد هاشم خراسانی در کتاب منتخب التواریخ (ص ۲۶۹) می نویسد:

معلوم نیست والده مکرمه حضرت علی اکبر در کربلا بوده، بلکه معلوم نیست آن
مخدره در آن زمان زنده بوده یا نه؟!

محدث نوری در این باره آورده است:

آن چه روضه خوان ها می خوانند که بعد از رفتن علی اکبر به میدان امام حسین علیه السلام
به مادرش لیلا فرمود: «برخیز و به خلوت برو و برای فرزندت دعا کن؛ از جدم
شنیدم که فرمود: دعای مادر در حق فرزند مستجاب می شود» تا آخر آن که همگی
دروغ است. (نوری، ۱۳۶۴: ۹۰)

محدث قمی نیز می گوید:

ظاهر آن است که لیلا در کربلا نبوده و من در کتاب های معتبر ندیدم.
(منتهی الآمال: ۳۷۵)

همو در جایی دیگر می نویسد:

در کتاب های معتبر، ذکری از بودن لیلا در کربلا یا در کوفه و شام نیست.
(همان: ۵۴۱)

همچنین استاد شهید مرتضی مطهری این مسئله و در نتیجه قصه ها و افسانه هایی که
در باره ایشان گفته شده را از موارد تحریف رویداد کربلا می داند و آن را با استدلال نقد ورد
می کند (مطهری، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۶ - ۲۷).

دکتر آیتی نیز در این باره نوشته است:

در جریان کربلا از اوسخنی به میان نیامده است. هیچ روشن نیست که ایشان
در این تاریخ زنده بوده است یا نه؟ از همسران امام تنها کسی که به
یقین می توان گفت که در این سفر همراه امام بوده، رباب است. (بررسی
تاریخ عاشورا: ۱۲۳)



ریشه توهم آن دسته از مورخان که قائل به حضور لیلا مادر علی اکبر در کربلا هستند، این منابع است:

۱. در کتاب اغانی ابوالفرج اصفهانی نقل شده است:

مردی از اعراب بر شتری سوار و وارد مدینه شد. عبورش به محله بنی هاشم افتاد. از خانه ای صدای شیون و ناله بلند شد. شتری که آن مرد بر آن سوار بود از شنیدن ناله جلوی در خانه زانو بر زمین زد. مرد عرب بر در خانه آمد و از علت ناله سؤال کرد. کنیزی بیرون آمد و گفت این ناله ازام لیلاست که از واقعه کربلا تا کنون آرام نگرفته است. (مجلات، بی تا: ۳/ ۲۹۷ - ۲۹۸)

۲. در کتاب قیام سالار شهیدان چنین می خوانیم:

دلیلی بر نبودن لیلا در کربلا به نظر نرسیده، بلکه علی القاعده او باید در کربلا بوده باشد و این که علما نوشته اند که ما مدرکی ندیدیم که لیلا در کربلا بوده، شاید خالی از کم لطفی نباشد؛ زیرا علی القاعده آن بانو باید همراه امام حسین علیه السلام باشد، مگر ضرورتی ایجاب کند. و اگر دلیلی پیدا شود باید بر عدم باشد، نه بر اثبات. به علاوه، جریان دعا بر ولد در قول بکر بن غانم، تأییدی است بر این که در کربلا بوده، اما چرا مورخان چیزی از آن نقل ننموده اند، ممکن است عللی داشته باشد که بر ما پوشیده است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۵: ۱۹۳)

به نظر نگارنده، ثابت کردن حضور لیلا در کربلا یک بحث است و نسبت دادن مرثی و وداع حضرت علی اکبر علیه السلام با مادر و دعای مادر در حق فرزند نیز بحث دیگری است. از آن جایی که در کتب معتبر، هیچ دلیل و مدرکی که ما را بر حضور آن بانو قانع سازد وجود ندارد، بر فرض این که بگوییم ایشان در کربلا بوده، چطور می توان این گونه حالات و مرثی را به آن بانو نسبت داد؟ بنابراین همین که در کتب تاریخی معتبر، ذکری از حضور آن مخدّره نشده یا این که در بعضی از کتب مقتلی، به صراحت گفته اند او در کربلا حضور نداشته، برای ما کفایت می کند که پیرو مشهور مورخان شده و قائل بر حضور نداشتن لیلا در کربلا باشیم.

لیلای دیگر

حضرت علی علیه السلام نیز همسری به نام لیلابنت مسعود داشت که مادر ابوبکر بن علی علیه السلام یکی از شهدای کربلاست (مفید، ۱۴۱۳: ۸۲). این شخص گاه با لیلای مادر علی اکبر علیه السلام اشتباه گرفته می شود (تمیمی، ۱۴۱۷: ۲ / ۵۵۹).

اقوال مختلف در بیان سن علی اکبر علیه السلام

در میان مورخان اسلامی در بیان سن حضرت علی اکبر علیه السلام، اتحاد نیست و هر کدام برای آن آقازاده سنی را قائل شده اند و سن آن حضرت را در موقع شهادت از ۷ سال تا ۲۹ سال ذکر کرده اند. در این مبحث با بیان چند سخن، به ذکر نتیجه خواهیم پرداخت: سخن اول. در این که امام حسین علیه السلام چند اولاد داشته، اختلاف بوده و ما نظراً آن‌ها را ذکر می کنیم. در کتاب کشف الغمّه به نقل از کمال الدین بن طلحه، اولاد امام حسین علیه السلام شش پسر و چهار دختر ذکر شده است. امین الاسلام طبرسی در اعلام الوری چهار پسر و دو دختر، امام فخر رازی در الشجرة المبارکة، چهار پسر و دو دختر نوشته، مقدس اردبیلی در حدیقة الشیعه شش پسر و چهار دختر ذکر کرده و شیخ مفید در الارشاد، چهار پسر و دو دختر را بیان نموده است. کتاب جنات الخلود، قول شش پسر و چهار دختر را اصح می داند. علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه، شش فرزند ذکور و سه انثا را آورده کرده است.

بنابر قول کسانی که چهار پسر و دو دختر را قائل شده اند، اسامی این فرزندان بدین صورت بوده است: ۱. علی بن الحسین الاکبر، ۲. علی بن الحسین الاوسط، ۳. علی بن الحسین الاصغر، ۴. جعفر که در کودکی پیش از پدر فوت کرده است، ۵. سکینه که رباب مادر او و مادر علی اصغر علیه السلام است.

سال وفات لیلای و مقدار عمر او و نیز حضورش در کربلا مشخص نیست. شیخ عباس قمی حدیث شناس و محقق بزرگوار می نویسد:

من به مأخذی دست نیافتم که دال بر آمدن لیلای به کربلا باشد. (ابن طاووس،

اگرچه دربندی در اسرار الشهادة متعرض حضور لیلا در کربلا شده است.

نتیجه گیری

بنا بر آن چه بیان داشتیم، نتیجه می گیریم که درباره همسر امام حسین علیه السلام و مادر علی اکبر علیه السلام، سه مطلب اساسی وجود دارد و در هر یک از این مطالب، نظر منتخب را به همراه مستنداتش ارائه نمودیم.

مطلب اول درباره اصل و نسب و ازدواج ایشان با امام حسین علیه السلام است که ایشان را بانویی با فضیلت و کمالات دانسته اند و در ازدواجش با حضرت نیز شکی نیست و همه مورخان به آن تصریح کرده اند.

مطلب دوم و مهم ترین بحث درباره این بانوی با فضیلت، حضور یا عدم حضور ایشان در واقعه کربلاست که در میان دیدگاه های قائلان و منکران، قول به عدم حضور ایشان را با استناد به عدم نص تاریخی و همچنین انتساب اشعار و نقل های تاریخی به شخصی دیگر به نام لیلا، اثبات کردیم.

مطلب سوم درباره مقدار عمر و نحوه ارتحال ایشان است. در این مطلب بر اساس سخن بزرگان و تاریخی نویسانی چون مرحوم شیخ عباس قمی، داوری قطعی نمی کنیم؛ زیرا مستندات کافی در دست نیست.

بنابراین ایشان از بانوان با فضیلت، همسر امام حسین علیه السلام و مادر علی اکبر علیه السلام است، ولی در کربلا حضور نداشت.

منابع

- ابن ابى الحديد، عزّالدين عبدالحميد بن محمد (١٣٨٥ق)، شرح نهج البلاغه، قاهره، چاپ محمدابوالفضل ابراهيم.
- ابن اثير، مبارك بن محمد (١٣٩٩ق)، الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صادر.
- ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن (١٤٢٦ق)، تذكرة الخواصر، قم، چاپ حسين تقى زاده.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٩٥٦م)، مناقب آل ابى طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن طاووس، على بن موسى (١٣٨٥ق)، اللهوف فى قتلى الطفوف (مقتل الحسين عليه السلام)، نجف، مكتبة الحيدرية.
- ابن قتيبه، عبدالله (١٩٦٥م)، المعارف، به كوشش: ثروت عكاشه، قاهره، بى نا.
- بخارى، سهل بن عبدالله (١٣٨١ق)، ستر السلسله العلوية، نجف، مطبعة الحيدرية.
- تميمى، ابوحاتم (١٤١٧ق)، السيرة النبوية وأخبار الخلفاء الكتب الثقافية، بيروت، بى نا، چاپ سوم.
- جزرى، على بن محمد بن عبدالكريم (١٤١٧ق)، اسد الغابة فى معرفة الصحابة، لبنان، بيروت.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحين فى الحديث، به كوشش: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، بى نا.
- حائرى مازندراني، محمد مهدي (١٤١٩ق)، معالى السبطين، قم، منشورات شريف رضى.
- خليفة بن خياط (١٤١٥ق)، تاريخ خليفة بن خياط، بيروت، چاپ مصطفى نجيب فواز و حكمت كشلى فواز.
- رازى، فخرالدين محمد بن عمر (١٤٥٩ق)، الشجرة المباركة، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى مرعشى نجفى.
- شيخ الاسلامى، سيد حسين (١٣٧٥ش)، قيام سالار شهيدان، دفتر انتشارات اسلامى.



- طبرانی، ابی القاسم و عبدالمجید السلفی حمدی (۱۹۸۳م)، المعجم الکبیر، قاهره، دار احیاء التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۲ق)، تاریخ طبری، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات.
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۲۸ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه (۱۳۷۵ش)، تهران، تربیت مدرس.
- محلاتی، ذبیح الله (۱۳۶۹ق)، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۹۰ش)، فرسان الهیجاء، تهران، مرکز نشر کتاب.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹ش)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، بی جا، بی نا، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۴ق)، الارشاد، بیروت، علمیه، چاپ دوم.
- مقرم، سید عبدالرزاق (۱۴۰۶ق)، پیرامون شناخت فرزندان واصحاب امام حسین علیه السلام، ترجمه: حسن طارمی، تهران، بنیاد فرهنگی کلینی.
- _____ (۱۴۱۳ق)، علی اکبر علیه السلام، قم، منشورات شریف رضی.
- نعمان بن محمد بن منصور (۱۴۰۴ق)، شرح الاخبار، قم، المطبعة السيد الشهداء.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۶۴ش)، لؤلؤ و مرجان، تهران، انتشارات فراهانی.
- واقدی، ابن سعد (۱۴۰۵ق)، الطبقات الکبری، چاپ احسان عباس، بیروت، دارصادر.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۱ش)، تاریخ یعقوبی، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

